

## آموزه‌های اجتماعی - اخلاقی و آسیب‌های مرتبط با آن در نسخه خطی

دیوان میرزا سیدعلی متخلص به "شهلا"

محمد رضا حصارکی<sup>۱</sup>، مهین خطیب‌نیا<sup>۲</sup>، شایسته ابهچی عزآبادی<sup>۳</sup>

### چکیده

مسائل اخلاقی و اجتماعی موجود در آثار شاعران، به عنوان مهمترین رسانه فرهنگی در اشاعه‌ی زیبایی‌های معنوی و اخلاقی، بُعد وسیعی از بستر هزارساله فرهنگ و ادب فارسی، اختصاص داده است. بدین جهت پرداختن به جنبه‌های تعلیم و تربیتی آن، مهم و ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است که اگر این شاعران و در واقع جامعه‌شناسان متعهد نبودند، آسیب‌های ناشی از اوضاع نابسامان اجتماعی و تحمیل شده بر جامعه، معرفی، شناسایی و برجسته نمی‌شد. اهداف تحقیق عبارتند از: شناخت مباحث اجتماعی مطرح شده در نوشتجات "شهلا"؛ شناخت اخلاقیات و اصول اخلاقی مورد توجه وی در تألیفات و آسیب‌شناسی این مباحث. مطالعه اسنادی و روش تحقیق کیفی و توصیفی و ابزار گردآوری داده‌ها تحلیل محتوا است. در این مقاله با مطالعه ۳۴۸۱ بیت شعر دیوان میرزا سید علی مدرسی و استخراج مسائل اجتماعی، اخلاقی و آسیب‌های مربوط به آن، دسته‌بندی و به تحلیل کیفی و کمی آن پرداخته شده است. با استخراج ۱۶۴۰ بیت آموزه‌های اجتماعی - اخلاقی و ۱۶۴۱ بیت آسیب‌های مرتبط با آن، به این نتیجه دست یافته است، که شاعر را می‌توان به‌حق از شاعران قدرتمند در زمینه ارائه و آموزش اخلاق اجتماعی، در دوره پراشوب سیاسی اجتماعی قاجاریه قلمداد کرد. نتایج تحقیق نشان داد آسیب‌های اخلاق اجتماعی - فردی بالاترین میزان و آموزه‌های اخلاق فردی کمترین میزان را دارا هستند و آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی در مرتبه دوم جای گرفته‌اند.

**کلیدواژه:** اخلاق اجتماعی، آسیب‌شناسی اجتماعی، نابسامانی اجتماعی

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

<sup>۱</sup> - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرقدس، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

m.r.hesaraki@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نائین، اصفهان، ایران.

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، آموزش و پرورش یزد، یزد، ایران.

## مقدمه

میرزا سید محمد علی فرزند میرزا عبدالوهاب حسینی حسینی مدرسی یزدی، از دجله سادات طباطبایی و سلسله مدرسین از شعرای برجسته نظم و نثر قرن سیزدهم متخلص به شهلا و معاصر سلسله قاجار است. او به سال ۱۲۷۷ هجری قمری می‌زیسته: «مدرسی دانشمند و ادیبی صاحب طبع و در مراتب علمی قریب الاجتهاد بوده است. از او دیوان شعری به جای مانده، وی به هیچ یک از پادشاهان و شاهزادگان قاجار توجهی نداشت؛ به همین سبب، اثر منظومی در مدح آنان از او در دست نیست» (مدرسی، ۱۳۷۸: ۳۲). میرزا سید علی در اوضاع تاریخی نابسامانی می‌زیست، پس از سقوط حکومت ۲۴ ساله صفویان و پس از کشته شدن نادرشاه افشار به سال ۱۱۶۰ قمری، هرج و مرج بر کشور سایه افکند. آقا محمد خان پس از لطفعلی خان بر سر کار آمد که او هم علیرغم آثار شوم و منفی عهدنامه‌های گلستان، ترکمانچای، فینکن اشتاین و لشکر کشی به هرات و خیوه، کارهای مثبتی نیز برجای نهاد، از جمله اعزام معلمانی به فرانسه و انگلستان برای تعلیم نظامیان ایران، آشنایی مردم با فرهنگ اروپا و تمدن جدید و ترجمه آثار اروپایی قائم مقام فراهانی به تحریک حاج میرزا آقاسی به سال ۱۲۵۱، پیدایش مذهب بابیه به سال ۱۲۶۰ قمری که پدید آورنده آن دستگیر و زندانی و به دستور ناصرالدین شاه قاجار به سال ۱۲۶۶ قمری به دار آویخته شد و کشور در این دوره بر اثر سیاست‌های بی‌خردانه میرزا آقاسی، روزه‌روز دچار آشوبی جدید بود (وامق یزدی، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۸).

دوره قاجار که شاعر در آن می‌زیسته، دارای وقایع بسیاری، چون خیزش اجتماع سترگ مردم در مقابله با امتیاز توتون و تنباکو، مشروطیت و به توپ بستن مجلس، قحطی و خشکسالی و در نهایت کودتای رضاخان به سال ۱۳۰۴ هجری شمسی است. یزد نیز به عنوان موطن شاعر تحت تأثیر اوضاع نابسامان کشور، با اخذ مالیات‌های سنگین مواجه بود، که به بدبختی، آوارگی، بردگی، و بیکاری مردم منجر شده بود (آیتی، ۱۳۱۷: ۲۶۰). از آثار شهلا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) دیوان شهلا که به دستنوشته خود شاعر و به خط شکسته نستعلیق با ۳۴۸۱ بیت، با مضامین گوناگون و در قالب‌های قصیده، ترجیع‌بند، غزل، مثنوی، رباعی و مسمط است.

ب) تذکره شبستان، تذکره عمومی است، کتاب حدود ۴۰۰ شاعر را در دو هنگامه شناسانده است. تذکره شبستان، به خط مولف با دو هنگامه در «انجمن و خلوت خانه» می‌باشد. اشعار شهلا هم درون گرا و هم برون گرا است، غزلیات شاعر، عاشقانه، عارفانه، مذهبی، و دارای مسائل

اخلاقی است. در مشخصه های فکری شهلا، احساسات خاص مذهبی و ملی گرایانه بویژه نسبت به وطن، محسوس است. بازتاب وسیع اخلاق اجتماعی در اشعار شهلا، در واقع انعکاس اوضاع نابسامان اجتماعی است، که بر جامعه ایرانی تحمیل گشته است. پژوهشگر در این مقاله، می کوشد، به ابعاد گوناگون اخلاق اجتماعی در دیوان اشعار این شاعر پردازد و تصویری روشن از ابعاد گوناگون آن ارائه دهد؛ چرا که یکی از ارکان استوار ماندگاری و جاودانگی یک اثر در مشرق زمین همواره تأکید بر اصول و آموزه های پندگونه اخلاقی است (پلمه ها، ۱۳۹۰: ۱۵۵). جنبه شاعرانه ی اشعار تعلیمی ما بسیار قوی است: «زیرا با شور احساس شخصی شاعر نسبت به مسائل اخلاقی و تعلیمی و اجتماعی و عرفانی و مذهبی همراه است» (فرشید ورد، ۱۳۷۸، ج ۱: ۷۵)؛ از این رو پرداختن به اخلاقیات در اشعار شهلا که تا کنون، هیچ تحقیقی درباره آن صورت نگرفته است، تصویر روشنی از شخصیت شاعر و حتی جامعه زمان او ارائه می دهد و این امر، خود دلیل محکمی بر ضرورت انجام این تحقیق است. عیبی که بر این تذکره می گیرند، نانوخته بودن بخش بیشتری از شرح حال هاست، که البته این کمبود، تنها در بخش شعرای یزد به چشم می خورد و شاید به واسطه وسواسی بوده که نویسنده را بر آن داشته تا بعدها بهترین گزارش را جایگزین نانوشته ها کند. چون این کتاب فهرستی نداشت، نگارنده نخست فهرستی برای آن ترتیب داده و پس از آنکه کلیه شعرای آن را شناسایی کرده و نامشان را بر روی برگه های ویژه (فیش) ثبت کرد، به تحقیق درباره سخنوران مندرج در این تذکره پرداخت و شرح حال های نانوخته را تکمیل نمود.

کل شرح حال و اشعار شعرای مندرج در این تذکره مشتمل بر ۳۹۵ نفر است (از این تعداد ۱۶۷ نفر آن ها یزدی است) که ذکر نام آن ها در دو بخش «متقدم» و «معاصر» تنظیم شده است. امتیاز این تذکره در آن بوده که اشعار یا شرح حال برخی از شعرای یزد را فقط می توان در این تذکره جویا شد. شهلا در تهیه شرح حال شعرای پیشین، از تذکره میکده (تألیف وامق یزدی)، سلم السموات (تألیف کازرونی)، جامع مفیدی (تألیف مستوفی بافقی) و آتشکده آذر (تألیف آذربیکدلی) سود جسته است و خود این تذکره، یکی از منابع عمده تاریخ یزد (آیتی) جهت تدوین بخش شاعران آن بوده است. آیتی می گوید: «شهلا یزدی، نامش میرزا محمد علی، فرزند میرزا عبدالوهاب از سلسله مدرسیه، از شعرای برجسته و صاحب تذکره شبستان، در نظم

۱۴۲..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

و نشر هر دو استاد.» کامل‌ترین جایی که به بررسی این کتاب پرداخته شده است، در کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی (جلد اول: ۲۵۵-۲۵۰) است که گلچین معانی، تذکره شبستان را از نظر گذراننده و بخش‌های گوناگون آن را شرح و بسط داده است و نیز در کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه، نوشته آقابزرگ تهرانی به این تذکره اشاره شده است (ج ۴: ۳۵)، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری (ج ۴: ۱۳۹۶) مشخصات کتابشناختی آن درج است و محمد علی جراحی شرحی درباره شهلا یزدی و تذکره او در هفته‌نامه ندای یزد آورده است و نیز در فصلنامه انجمن ادبی کتابخانه وزیری مقاله‌ای به قلم سید محمود رستگار در این باره چاپ شده است. به هر حال از لحاظ تاریخی، این کتاب، دومین تذکره شناخته شده یزد است که پس از میکده (نگارش ۱۲۶۲ق) تألیف شده و چنانکه از متن آن برمی‌آید نخستین تاریخ مندرج در این کتاب ۱۲۷۲ق و آخرین آن ۱۲۷۷ق است.

این کتاب در سال ۱۳۷۹ به وسیله آقای اکبر قلمسیاه از سوی نشر گیتا در یزد چاپ شد. اما همچنان نیاز به تصحیح علمی همراه با تعلیقات تاریخی و ادبی دارد. (قلمسیاه، ۱۳۷۹). شبستان از تذکره‌های مفصل و خواندنی اواسط دوران قاجار است و آن را میرزا محمدعلی مدرسی یزدی متخلص به «شهلا»، شاعر و تذکره‌نویس دوران ناصرالدین‌شاه، به رشته تألیف درآورده. شهلا خواهرزاده میرزا ابوالحسن شیدا - شاعر معروف یزدی دیگر - است و تا سال ۱۲۷۷ ق. در قید حیات بوده اما از تاریخ دقیق درگذشت او خبری در دست نیست. در مجموع در تذکره شبستان، گزارش احوال و نمونه اشعار نزدیک به چهارصد تن از پارسی‌گویان گرد آمده اما چنانکه اشاره می‌شود جای زندگینامه بسیاری از شاعران خالی مانده و به ذکر نمونه‌های اشعارشان اکتفا شده است. ظاهراً مؤلف نیت آن داشته به تدریج در تکمیل اثر خود همت گمارد اما هیچگاه توفیق اتمام کار را پیدا نکرده است. این کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو هنگامه به شرح زیر: مقدمه در شرح تألیف کتاب و گزارش ابواب و فصول آن. هنگامه اول شامل یک انجمن و دو مجمع و یک خلوت‌خانه. انجمن در ذکر احوال پادشاهان و شاهزادگان باذوق و شاعر قاجاری و زندی. مجمع اول: گزارش احوال و اشعار سرایندگانی که پس از تألیف تذکره آتشکده پا به عرصه وجود نهادند. مجمع دوم در ضبط شعرای هندوستان. خلوت‌خانه در شرح احوال زنان شاعر. هنگامه دوم مشتمل بر دو ایوان و یک آستانه. ایوان اول در ذکر شعرای قدیم یزد. ایوان دوم در توصیف و ذکر اشعار شاعران معاصر مؤلف در یزد یعنی گویندگان عصر قاجاری. آستانه در احوال مؤلف کتاب. متأسفانه

مدرسی یزدی توفیق نگارش این فصل را نیافته و زندگینامه خود را به دست نداده است. در این بخش تنها گزیده نسبتاً مفصلی از اشعار مؤلف ارائه شده است. تذکره شبستان به ترتیب الفبایی مرتب شده و هر بخش تدوین جداگانه الفبایی دارد. بخش نخستین تذکره شبستان به احوال شاهان و شاهزادگان شاعر اختصاص دارد، با این وصف جای شگفتی است که از ناصرالدین شاه قاجار ضمن گزارش احوال شاعران دیگر شهرها یاد شده است. در تعلیقات پاره‌ای سهواً القلمهای کوچک دیده شد. از جمله به نقل از مجمع‌الفصحا سال وفات فروغی بسطامی ۱۲۳۳ ق/ ۱۸۱۸ م ذکر شده [ص ۲۳۷]، در حالی که وی به یقین در سال ۱۲۷۴ ق/ ۱۸۵۷ م در گذشته است. نکته آخر آنکه مؤلف در پایان کتاب گزیده مفصل اشعار خود را آورده و ظاهراً نیت آن داشته که بعدها بیوگرافی خود را بدان بیفزاید، اما این کار صورت نگرفته و از زندگینامه وی در کتابش اثری نیست.

در این تحقیق اهداف زیر دنبال می شود: الف شناخت مباحث اجتماعی آمده در نوشتجات "شهلا" ب- شناخت اخلاقیات و اصول اخلاقی مورد توجه شهلا در تألیفات خود و پ- آسیب شناسی مباحث مطرح شده در نوشتجات "شهلا".

#### روش شناسی

تحقیق حاضر در یک مطالعه توصیفی با استفاده از روش مطالعه اسنادی و تحلیل مجدد اسنادی، با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی و تفسیر و تحلیل اسناد و مدارک، و مقالات، کتاب‌ها و نشریات و متون و گزارش‌ها می‌پردازد. این تحقیق با استفاده از تحلیل محتوا اهداف تحقیق را در هر یک از کتاب‌های مدرسی یزدی و کتب مرتبط با آن، مقالات، نشریات و پایان‌نامه‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. پس از تحلیل محتوا اصلاحات استخراج شده با این تکنیک به شیوه فرا تحلیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اطلاعات مورد جستجو در سه بخش جای می‌گیرند که عبارتند از اطلاعات و داده‌های استخراج شده در مورد مباحث اجتماعی؛ اخلاقیات و اصول اخلاقی مورد توجه شهلا در نوشتجات "شهلا" و در نهایت آسیب شناسی آنها.

جامعه آماری مورد مطالعه ما کلیه کتاب‌های مدرسی یزدی و کتب مرتبط با آن، مقالات، نشریات و پایان‌نامه‌های مرتبط به موضوع مورد مطالعه است که موجود بودند. تأکید اصلی بر کتب مدرسی یزدی متخلص به شهلا می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات فیش و کپی می‌باشد که در نوشتجات

۱۴۴.....پژوهشهای جامعه‌شناختی، سال سیزدهم/ شماره سوم و چهارم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
 چایی از فیش و در نوشتجات آنلاین مطالب مورد نظر کپی و سپس تحلیل محتوا می‌شوند. واحد  
 تحلیل محتوا موضوع است و موضوعات مرتبط با تحقیق مورد بررسی و تحلیل محتوا قرار می  
 گیرند. مرحله بعد از تحلیل محتوا برجسته‌سازی محتوا در عناوین و بحث در مورد آنهاست. یافته  
 ها در سه بخش مطرح خواهند شد و در پایان نمودار مقوله‌ها و شاخصهای مربوطه ارائه خواهد  
 شد.

### یافته‌ها

#### ۱- اخلاق اجتماعی و فرهنگی

##### الف- حوزه دین

- اقرار به عظمت و یگانگی خدا: در شعر فارسی اولین موضوعی که از نظر ارزش‌های اخلاقی اسلام حائز اهمیت می‌باشد، اندیشه یکتاپرستی و توحیدی است، که شعرا با تواضع عابدانه و با اعتقاد به «اول العلم معرفه الجبار» بیان نموده‌اند. میرزا سید علی، مردی معتبد و قریب الاجتهاد بوده است، لذا عظمت و یگانگی پروردگار در دیوان او از جایگاه و بسامد بالایی برخوردار است: او در بیش از ۱۱۰ بیت در بزرگی و عظمت خدا سخن گفته است:

زهی بزرگ خدایی که هر دو عالم را      دمی که ذات شریف تو گفت کن فیکون (شهیلا نسخه خطی، بیت ۲۴: فحه ۸۳)

از او بهره ور هر که در سطح عالم      از او کافران هرچه در ملک امکان (همان، ب ۸: ۵۸۱)

- لطف و محبت خداوند: عدل، فیض، کرم و محبت الهی در بیش از ۳۳ بار در دیوان شاعر آمده است:

ز حفظ عدل تو کاخ ستم بود ویران      ز لطف عام تو، ملک جهان بود معمول (همان، ک ۲۹: ۱۱۴)

- عبادت خداوند: ۲۴ بار در دیوان شاعر، عبادت و بزرگی خداوند و سجده کردن به درگاه حق مورد توجه قرار گرفته است:

هر که سر بگذاشت بر خاک درت ای شاه خوبان دیگر اندر سر هوای افسر شاهی ندارد (همان، ب ۳: ۳۵۱)

• اطاعت از حق: فرمانبرداری از فرامین الهی بیش از هشت بار توصیه است.  
آنکه بستش میان پی خدمت رست هر شاخه ای که در آجام (همان، ب ۲۶: ۲۲۸)

• توصیف حق: شاعر با بیان اوصاف حق چون «قادر ذوالیمین، خالق بی شبه، ایزد بی چون: انع بی مثل، بنده پرور، رازق، خالق، ... می کوشد، عظمت خداوند را بیان کند.  
ز صنع صانع، بی مثل و قادر ذوالمن ز فصل خالق بی شبه و ایزد بی چون (همان، ب ۵: ۸۰)

شاعر در ۱۱ بیت نیز با صراحت از وصف پروردگار سخن می گوید، اما در نهایت توصیف خداوند را بیرون از شمار و قلم را عاجز از وصف او معرفی می کند:  
دست سخن به دامن و صفت نمی رسد داری به هر چه خواهی از اقتدار دست (همان، ب ۷۴: ۱۹۹)

• معرفت خداوند: انسان های وارسته با بیان اوصاف الهی، شکر خدا، دعا، عبادت، و اطاعت از حق می کوشند، تا گامی در جهت شناخت الهی بردارند شاعر ورود به وادی معرفت را گذشتن از مجاز و صورت و گام نهادن به وادی معنی و حقیقت می داند اما در نهایت در هشت بیت، خود را قادر به معرفت حق، نمی بیند:  
هو الله قیل فی شانه ما عرفناه حق معرفته (همان، ب ۲۶: ۵۶۵)

• شکر گزاری از خدا: بیش از ده بار در قصاید شاعر، تکرار شده است:  
قرون گشته از فیض جودش، ایادی میان بسته از بهر شکرش، انامل (همان، ب ۳۸: ۱۶۶)

• دعا: کثرت دعای نیم شب به درگاه خداوند به جهت دفع دیو و شیطان و برآورده شدن حاجات انسانی ۲۶ بار در اشعار شاعر آمده است:  
آمدند؛ اما ندانستم کز آه نیم شب باز تأثیر دعاهاى سحر باز آمدند (همان، ب ۶: ۳۵۶)

لب فرو بند از سخن شهلا، که هنگام دعاست قصه را کن کوتاه و دست از پی آمین بر آر (همان، ب ۴۴: ۳۴)

۱۴۶..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

• مدح و ستایش شایستگان ستایش: در جامعه اسلامی، ستایش مکارم اخلاقی و کرامت انسانی که موجب تقویت و نشر ارزش‌های معنوی و تحکیم حاکمیت علم و دانش و اخلاق اجتماعی در جوامع بشری است، مورد توجه شعرای ما بوده است؛ از این رو می‌بینیم شاعر پس از توحیدیه‌های آغاز دیوان در ۶۴ مورد به نعت و ستایش پیامبر (ص) امامان و اولیای دین پرداخته و خود را محب اهل بیت معرفی کرده است:

همیشه تا که ز تأیید کردگار بود محب آل بنی ز آفت جحیم، مصون (همان، ب ۴۴: ۸۸)  
از مفاهیمی که شاعر، پیرامون این موضوع به آن پرداخته، توجه به اسلام و ناصران دین، شفاعت ائمه و زیارت اهل بیت است:

چشم شفاعت ز تو دارم به حشر سر چو بر آرم ز لحد شرمسار (همان، ب ۶۲: ۱۵۱)  
• یاد مرگ و عبرت گرفتن از آن: ۷۴۱ مرتبه از مرگ و تلخی مرگ سخن گفته، هرچند جان دادن به پای معشوق را، مشتاقانه می‌پذیرد و به آن می‌بالد:

کنون که از بر من رفت جان شیرینم دگر ز تلخی مرگ کسی، مراست چه باک (همان، ب ۴: ۴۶۳)  
جان به پای تو دهم، گر بنهی پا به سرم بر نیاید چو زدستم چه کنم کار دگر (همان، ب ۲: ۳۸۸)

• امر به معروف و نهی از منکر: (پنج بار)  
امر و نهی ناصح از کیش است گویی با تو شهلا و نه معجون در شریعت، آمر و ناهی ندارد (همان، ب ۸: ۳۵۱)

• خاصانِ حق و سختی‌های دنیا: مشتِ الهی بر این قرار گرفته که عاقلان و اولیای خاص حق در دنیا، دچار درد و رنج باشند، «تو اهل فضل و دانش، همین گناهت بس»، در عوض غافلان و گاه ظالمان در عالم بی‌خبری خود، فارغ و آسوده و در غفلت به سر می‌برند. شهلا ۵۴۰ بار در قالب واژگان «اشک، رنج، محنت، درد، غم، پریشان، آه، آلام، دلتنگ، دریغ، زل ریش، حیف و دریغ، درمانده، ملول، محزون، تلخکام، ماتم، غصه، زاری، ناله، دل آزرده، دل پر خون و...» از سختی‌های دنیا و ۱۱۷ بار از این همه رنج و سختی دنیا، ناله سر داده و فریاد کشیده است:

کنون کز تو ای چرخ خون شد دل من نهادن به چشم آستینم چه حاصل



## آموزه های اجتماعی- اخلاقی و آسیب های مرتبط با..... ۱۴۷

چرا خوانی متصل در بلایا چرا داریم پای بست مشاغل (همان، ایات ۲ و ۱: ۱۶۲)  
ای دل کینم داد و فغان از چه روز و شب چون گوش بر فغان ندهد دادخواه ما (همان، ب  
۵: ۳۸۵)

✓ افتخاربه معنویات: شهلا ۲۹ بار واژه «فخر، بالیدن، افتخار کردن» استفاده نموده؛ و در  
تمام موارد به انسانیت و یا به مدح و دوستی با اهل بیت می‌بالد و انسان‌هایی را که به  
مقام و منزلت و ثروت، افتخار می‌کنند، نادان و جاهل می‌نامد:  
چه می‌بالی ای خواجه بر خود ز منصب زهی ای هوس پیشه نادان جاهل (همان، ب ۳۳: ۱۶۶)  
و در بزرگداشت مقام امام علی (ع) می‌گوید:  
از مدیح چون تو ممدوحی، مرا هست افتخار گر ز شاه غزنوی می‌کرد فخر، استاد طوس  
(همان، ب ۲۷: ۳)

### ب- نوع دوستی و همیاری

- بشر دوستی و شفقت به همنوع: پیرامون موضوع مذکور، مفاهیم دیگری نیز به شرح زیر  
مورد توجه قرار می‌گیرد:
- شفقت و دلسوزی: رحم کردن و دلسوزی نسبت به دیگران ۲۶ بار در اشعار شهلا تکرار  
شده است:

ای شه به امیدی که گرفتار نگردی رحم آر خدا را، به گرفتاری مردم (همان، ب ۵: ۴۷۲)

- مهر و محبت به دیگران: شاعر بیش از ۶۵ بار از واژه‌های «مهر، لطف، مهربانی، محبت،  
الفت» استفاده نموده که بسامد بالای این واژه نشان از خلق و خوی مهربانانه شاعر دارد:  
یا رب چه شد که هرچه فزون تر کنیم مهر بی‌مهرتر شود مه نامهربان ما (همان، ب ۲ ص ۲۵۹)
- دوستی و همراه بودن: کاربرد واژگان «دوست، یار، رفیق، احباً، مؤالفان، احباب، همدم،  
همنشین، دمساز، جلیس، محرم، معین، مونس» در ۷۸ مورد، نشان از توجه شاعر به  
همنوعان و ارتباط خوب و صمیمی شاعر با مردم دارد:

نیاید دست زد بر دامن یار نوی هر دم زیاران کهن قطع نظر کردن توان؟ نتوان (همان، ب  
۵ ص ۵۰۶)

- ۱۴۸.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- یاری و کمک به دیگران: ۱۵ بار واژه «یاری، امداد، دستگیری، و دلجویی» در اهمیت کمک کردن به هم‌نوع، تکرار شده است.
  - احوالپرسی از همدیگر: یازده بار این مفهوم آمده است:
- دل که بودم رهنما، رفت از پیش از که شهلا دیگرش گیرم سراغ (همان، ب ۷: ۴۵۲)

### پ- علم و عقلانیت

- اهمیت عقل، علم، و عمل: عقل، علم و عمل، سه سرمایه‌ی نفیس که انسان با کاربرد و بهره‌برداری صحیح آنها، راه تکامل و ارتقای معنوی و مادی خویش را هموار و سعادت دنیا و آخرت خود را تأمین می‌سازد. از دیدگاه تعالیم اسلامی، دانش اندوزی توأم با عمل، نوعی عبادت و حتی از عبادت ارزشمندتر است؛ علم، ضامن درک حقایق و فهم دین و کمال آن و عمل صالح، از ارکان ایمان و نشانه برتری انسان‌ها بر یکدیگر است:
- عقل و عاقل: خرد، عقل و هوش، ۲۱ بار، عاقل و هوشیار هشت بار به جهت اهمیت تکرار شده‌اند:

ترک چشمش، غارت عقل و دل و هوشم نمود چشم مستش رهن هشیار گویی نیست، هست (همان، ب ۴: ۲۸۲)

✓ علم: شاعر تعلیم و تربیت را برای رسیدن به کمال انسانی لازم می‌داند:

نکند تربیت سرو و صنوبر، دهقان گربه سیر چمن آن سرو سرافراز آید (همان، ب، ۲: ۳۷۱)

شاعر در ۴۵ بیت آموختن، کلام، سخن و نکته‌های بدیع را برای انسان و بالاخص شعرا، لازم و ضروری می‌داند:

خرمنی از سوختن خود، به دشت گفت به دهقان و من آموختم (همان، ب ۱: ۵۷۹)

شاعر، سؤال کردن را گامی در جهت آموختن می‌داند:

اگر که بر تو نمی‌گردد این چنین معلوم پرس چیست ز من، تا بگویمت به جواب (همان، ب ۱۸: ۱۸۳)

✓ عمل: همراهی واژه علم و عمل با بیش از ۱۱ بار تکرار در دیوان، ضرورت ملازمت این

دو واژه را در نیل به رسیدن به اهداف و آرزوهای انسانی نشان می‌دهد:

تا هست علمی را ز عمل در رکاب پای تا هست خلق را ز طرب در نگار دست (دهقان، ب

۸۵: ۲۰۱)

✓ یقین: شاعر واژه اطمینان و یقین یافتن را ۱۳ بار آورده است:

ز این که چشمت نبود بر رخ و اشکم هرگز شد یقینم که نباشد نظرت بر زر و سیم (همان، ب ۲: ۴۸۴)

### چ- حاکمیت جامعه

✓ عدل: (۲۷ بار) یکی از بنیادی ترین واژه هایی است که شعرا در دواوین خود به کار می برند، عدل است. شهلا نیز معتقد است، جهان زمانی نظام مند می شود که عدل و داد در آن گسترش یابد در متون ایران قبل از اسلام نیز آمده است که به داد و دین باید رفتن. (عریان، ۱۳۸۲: ۶۳).

بر تخت حکم شهنه ی عدل نشست و داشت دست از عقار مست و زمستی عقار دست (همان، ب ۶: ۱۹۷)

✓ توصیه به نیکی و احسان و دوری از ظلم و ستم: این مضمون از پربسامدترین مضامین دیوان شعرا از جمله شهلا است، خوبی و راستی ۱۹ بار و اظهار ناخوشایندی از ظلم و ستم ۱۹۴ بار تحت عنوان «جفا، جور، دل آزاری، فتنه، کینه، بیداد، قهر، ستم، آفت، غارت» آمده است.

تا چند بکوشی به دل آزاری مردم آگاه مگر نیستی از زاری مردم (همان، ب ۳: ۴۷۲)

### ۲- اخلاق فردی

در طول تاریخ، شعرا و نویسندگان، به عنوان طلایه داران فرهنگ و ادب با اعتقاد به فضایل انسانی پیوسته در آثار و اشعار خود، به بیان ارزش های اخلاقی پرداخته اند. شهلا نیز از این قاعده مستثنی نیست و دوازده بار واژه پند و اندرز و ۲۵ بار از لفظ «ناصح و واعظ» استفاده کرده است: بود اگر باغ چنان خوشتر از آن ما ناصح رفتن از کوی بتان این همه دشوار نبود (همان، ب ۲: ۳۳۲)

از توصیه های اخلاقی فردی و اجتماعی در دیوان شهلا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ بخشش: شاعر از واژه هایی چون (صله، جود، عطا، انعام، نثار، سخا، کرم، عفو، بذل و بخشش)، بیش از ۵۴ بار در اشعار خود استفاده کرده است:

بود چو ابر کفش به نسبت در بذل ابر گراز لعل در وو بود مقطر (همان، ب ۹: ۲۰۸)

- ۱۵۰.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- ✓ قناعت: ۲۶ بار واژگان «قناعت، قانع، مستغنی، استغنا»، در دیوان شهلا به کار رفته است:
- شدم از چشم سیاهی به نگاهی قانع به نگاهی شدم از چشم سیاهی قانع (همان، ب ۱: ۴۵۱)
- ✓ اجازه گرفتن: این واژه در قالب کلمات «اذن، بار یافتن، رخصت، اجازه»، ۱۱ بار تکرار شده است
- گرم دربان نمی شد مانع، اذن بار می دادم به دل گر شکوه ای دارم ز جور پاسبان دارم (همان، ب ۵: ۴۸۳)
- ✓ طرب و شادی: بیشترین مضمون دیوان شهلا توجه به مضامین مرتبط با شادی و طرب است، چون: «عیش، نشاط، سرور، عشرت، امید، خنده، شادی، طرب، شوق، کامیابی، کامران، بزم، سرمست، راحتی، وقت خوش، جشن، غنود، ایمن، آسوده، فارغ بودن، عید، خرم، شور، وجد، تبسم، انبساط، خوش دلی، تفریح و لذت با بیش از ۲۹۸ بار.
- بهار و باد صبا روح بخش همچو مسیح خوش آن که جانب گلشن شد از پی تفریح (همان، ب ۱: ۳۱۴)
- ✓ وفاداری: (۳۷ بار)
- نیست در دلبری ار همچو تو دلدار دگر به وفاداری من هم، نه وفادار دگر (همان، ب ۱: ۳۸۸)
- ✓ سکوت: این مفهوم ارزشی و اخلاقی، تحت عناوین «خموشی، سکوت، دم در کشیدن، لب بسته و...» ۲۴ بار در دیوان اشعار آمده است. امامان و پیشوایان ما نیز به این امر تأکید فراوان داشته اند، مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ قَلَّ عَقْلُهُ (نهج البلاغه: ۱۳۸۶ : ۵۳۵) کسی که سختش زیاد شد، عقلش کم می شود.
- آن به که سخن نیوش باشم دم در کشم و خموش باشم (همان، ب ۸۱: ۵۴۹)
- من كَثَرَ كَلَامَهُ خَطَاوُهُ وَقَلَّ حَيَاؤُهُ (الحرانی، ۱۳۵۴: ۹۰) پرحرفی نشانه سبک سری و کم گویی نشانه ی عقل است.
- ✓ امید داشتن: (۲۳ بار)
- تا به کویش به امیدی که دهد راه مرا همچو شهلا همه شب مست و غزل خوان بروم (همان، ب ۹: ۴۶۹)
- ✓ شرم و حیا: این واژه را ۳۲ بار و اغلب در کنار واژه عصمت و پاکی به کار برده است:
- اختر اوج حیارا آسمانم آفتاب برج عصمت را سحابم (همان، ب ۲: ۵۷۸)

- ✓ رازداری و کتمان سر: اگر خواهی راز تو دشمن نداند، با دوست مگوی (عنصر المعالی، ۱۳۶۲: ۶۱)، شهلا ۲۸ بار واژه راز را و ۱۸ بار در کنار آن از الفاظ (پنهان نمودن، نهان کردن، لب فرو بستن، برقع افکندن، و در حجاب کشیدن) استفاده کرده و معتقد است، رازداری باعث ارزشمند شدن انسان می شود:
- سیم را می پرورد در سنگ، پنهان مهر و تو از دل و تن سنگ را در سیم پنهان پروری (همان، ب ۲: ۵۳۶)
- ✓ عفت و پاکی: شاعر در هفت بیت ضمن احترام نهادن به این فضیلت اخلاقی، تار و پود وجود خود را آمیخته از عفت و نیکویی می داند:
- یافته نساج عفت، پود و تارم داده صباغ نکویی آب و نام (همان، ب ۵: ۵۷۸)
- ✓ توجه به اخلاق نیک: گرایش های اخلاقی شهلا و اصرار او بر حفظ ارزش های اخلاقی، علاوه بر ارزش ذاتی، گویای نقش بازدارندگی در برابر رذائل اخلاقی است. شهلا ۱۳ بار بر خلق و خوی نیکو تأکید و بارها در قالب پند و اندرز، انسان را به اخلاق نیکو و دوری از لغزش و اوصاف مذموم دعوت کرده است:
- آن که بُد نکهتی ز خُلق خوشش می شدی از گل آنچه استشمام (همان، ب ۲۴: ۲۲۸)
- ✓ عذرخواهی و تشکر: یکی از مهم ترین آداب اخلاقی، معذرت خواهی از اشتباهات است که ۱۲ بار و تشکر از لطف و محبت دیگران است که هفت بار در دیوان شهلا آمده است.
- آنچنان بر من جفایی رفت دوش از رفتنش کز جفای چرخ ممنون بودم امشب تا به صبح (همان، ب ۴: ۳۱۵)
- عذر خواه تو بود روز قیامت زنهار هیچ اندیشه ای از کشتن شهلا نکنی (همان، ب ۷: ۵۲۰)
- ✓ رعایت ادب و احترام: از شاخصه های اخلاقی انسان، ادب و نزاکت اوست و شهلا، ۱۷ بار در قالب واژگانی چون «پشت خم نمودن، احترام، ادب...» به این امر، توصیه نموده است:
- در برش ایستاده صف به صف به ادب مهوشان حور نژاد (همان، ب ۱۰: ۵۵۶)

۱۵۲..... پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
✓ دعا کردن: با بسامدی بالغ بر ۱۵ بار تکرار، انسان را به دعا به درگاه الهی دعوت می کند:

لب فروبند از سخن، شهلا که هنگام دعاست قصه را کن کوتاه و دست از پی آمین بر آر  
(همان، ب ۲: ۱۳۴)

✓ صبر و بردباری: یکی از برکاربردترین مضامین دیوان شهلا را، تحمّل و بردباری، با ۵۶ بار تکرار در قالب واژگانی چون «حلم، تاب، تحمل، طاقت، شکیب» به خود اختصاص داده است.

داد امید وصالش طاقت صبرم به هجر ورنه کی دل تاب هجران و فراق یار داشت (همان، ب ۳: ۳۰۰)

✓ عهد و پیمان: از زمان ایران باستان و سپس در معارف دینی اسلام به رعایت عهد و پیمان سفارش شده است. وفاء الذمّ زینه الکرّم (آمدی، ۱۳۸۷: ۸۵۳): وفا به پیمان ها زیور بزرگواری است. شهلا ضمن بیان واژگان «وعده، قرار، عهد، میثاق، پیمان» با ۲۳ بار تکرار، در مقابل به ۱۴ بیت، پیمان شکن را نکوهیده است:

بستی به دل از بس که تو پیمان و شکستی دیگر سر پیمان به تو پیمان شکنش نیست (همان، ب ۱: ۳۰۵)

### ۳- آسیب های اخلاق اجتماعی

گاه دل بستگی به زخارف دنیای مدموم و توجه به غیر خدا و سرکشی از فرمان های او باعث ایجاد آسیب هایی در زمینه اخلاق فردی و اجتماعی می شود این موارد در دیوان شهلا به شرح زیر آمده است:

✓ خساست: (۸ مورد)

از آب حیات، خضر کامی تر کرد نان تو که هرگز به گلویی نرسید (همان، ب ۴: ۵۹۰)

✓ حرص و طمع: مفهوم زیاده خواهی و آز در قالب کلماتی چون «حرص، طمع، روی به درگاه کسی نهادن، ریزه خوار، طلب کردن، حاجت، دریوزه، خوشه چینی، خواهش، ملتمس، ذلّ سؤال» در اشعار شاعر ۲۴ بار تکرار شده است:

تا که بر دامن جود تو زدم دست طمع گرچه باشد تهی ام چنگ ز نقد زر و مال

آموزه های اجتماعی- اخلاقی و آسیب های مرتبط با..... ۱۵۳

نه خمیده قدم آرم ز کس از بار عطا      نه نشسته خوی شرمم به رخ از ذلّ سؤال (همان، ایبات ۶۷ و ۶۸: ۱۰۸)

✓ غرور: (شش بار)

ز بس که مست غروری، نمی رسد به تو ذاتم      اگر چونال بنالم و گر چو چنگ خروشم (همان، ب ۳: ۴۷۶)

✓ تهدید: (چهار بار)

دل پر از جوش زاتش نخوت      سر پر از نشئه از می تهدید (همان، ب ۴۴: ۵۵۹)

✓ تقلید: تقلید کورکورانه و بدون تفکر، از آسیب های اجتماعی است، که گاه اکثر اقشار اجتماعی را در بر می گیرد و شهلا سه بار به آن اشاره کرده است:

ناصح و شیخ و مومن و زاهد      جمله را یکسر از ره تقلید (همان، ب ۴۱: ۵۵۹)

✓ جنگ: این آسیب، به دنبال خود مفاهیم دیگری چون «دشمن ۷۹ بار، کشتن ۱۵۳ بار، تسلیم شدن ۸ بار، قاتل ۱۶ بار، انتقام ۱۱ بار) را نیز به دنبال دارد واژه چنگ تحت عنوان «وغا، جنگ، کارزار، قتال، ناورد، رزم، معرکه، هیجا، کین، جدل، جدال، هجوم، آشوب، شورش، نبرد، هنگامه، گیر و دار، تطاول، هزاهز و مصاف» با بسامد ۸۹ بار تکرار به کار رفته است:

نیست گر محو تماشای و غای تو به رزم      حلقه در حلقه زره از چه سراپا بصر است (همان، ب ۵۷: ۱۶۱)

گُشد لیکن نمی بندد به فتراک      که آید عارش از من قاتل من (همان، ب ۴: ۵۰۵)

✓ اسیر کردن: ۲۷ بار زندانی کردن و گرفتار نمودن، در مفاهیم دینی غزلیات شهلا و گاه در برابر وازه رهایی و نجات به کار رفته است:

به زمانه مرغ دل را نبود از آن رهایی      که بود اسیریش را خم زلف یار باعث (همان، ب ۵: ۳۰۶)

✓ عشق مجازی و هوس آلود: این مورد، مفاهیم و واژگانی دیگر؛ چون عشوه گری، ناز، کرشمه، غنج، دلال، حسن و جمال، دلربایی، دلبری (۵۳ بار)، عشق (۶۴ بار)، عاشق (محب، عشقباز، شیدا، بیدل، دلشده، عشاق، سینه چاک، مشتاق (۵۱ بار)، عاشقی کردن

۱۵۴..... پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
۱۴) بار، وصل (۳۵ بار)، معشوق (دلبر ۸ بار)، فراق، هجران، جدا شدن، مهجور،  
هجرت (۱۳ بار) هوا و هوس (۲۱ بار)، خلوت (۹ بار)، کام گرفتن در آغوش گرفتن،  
بوس و کنار، به بر کشیدن، لب به لب شدن و... ۷۸ بار) در اشعار به کار برده است.  
ت ترک خود کرد باید ز اول گگ گر ز عشق منت مباد گذر (همان، ب ۱۴: ۵۶۹)  
باشد هوسی کز توام ای سرو قباپوش این است که باری کثمت تنگ در آغوش (همان، ب  
۱: ۴۲۴)

اما آنچه در خور توجه است، تمایز عشق و هوس می باشد که شش بار تکرار شده است:  
عاشق از درد و غم نپرهیزد تا شود عشق از هوس ممتاز (همان، ب ۷۸: ۵۶۳)  
✓ ستایش از شراب و ترغیب به میخوارگی: با آن که پیشوایان اسلام شراب را «ام الخبائث  
و اکبر الکبائر» نامیده و بعضی شعرا چون عطار در داستان شیخ صنعان و ایرج میرزا در  
داستان «ابلیس و جوان» با صراحت به مذمت شراب پرداخته اند، شهلا با ستایش و سخن  
از شراب و آداب شراب نوشی، باعث بدآموزی و انحرافات اخلاقی شده است؛ البته  
اغلب این توصیف های شراب، مکمل غزلیات عاشقانه است.  
واژه های مرتبط چون (باده: هبا، نشئه، خمار، می، مست، مخمور، مستانه، شراب، میگسار، خرابات  
و... ۷۸ بار به کار رفته است:  
گر نوشد باده شبنم ز ساغر غنچه را دیده ی نرگس چرا پیوسته باشد در خمار (همان، ب  
۲۰: ۱۲۹)

✓ تحقیر کردن دیگران:  
ذل، خواری، تحقیر و زبون انگاشتن به واسطه ی حس خودبرتر بینی، یکی از آسیب های بزرگ  
اخلاق اجتماعی است، که خداوند انسان را از آن برحذر داشته و برترین و عزیزترین انسان ها را  
باتقواترین آنها دانسته است: «انَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰیكُمْ (حجرات: ۱۳) شاعر ۲۷ بار این مسئله  
پرداخته است:

اینقدر در نظر خوار نمی گردیدم بود غیر از توام ای گلرخ اگر بار دگر (همان، ب ۴: ۳۸۸)  
✓ مکر و حيله:

فریب، کید، فسون و نیرنگ ۲۴ بار در مفاهیم شعری شاعر، تکرار شده است؛ هرچند در نهایت  
نتیجه می گیرد که از حيله گری، کاری پیش نمی رود:



تأثیر نکرد در دلش آه از حيله نرفت کاری از پیش (همان، ب ۴: ۴۳۳)

#### ۴- آسیبهای اخلاق فردی

➤ بی‌عفتی و ناپاکی کلام: از بدترین آسیب‌های اخلاق اجتماعی در شعر این شاعر، دشنام، هجو، هتاک، مطایبه هزل آمیز، القاب رکیک و وقیحانه است، که ۱۹۷ بار به کار رفته است:

مادر زانیه‌اش را شده شوهر نگرید آن جلب کیست که این زاده حرامش پسر است (همان، ب ۲۲: ۵۵)

اما در نهایت شاعر ۲۹ بار انسان‌ها را از بیهوده‌گویی برحذر داشته است:

➤ ناصح بیهوده گو، لب ز ملامت ببند عاشق دیوانه کی می‌شنود از تو پند (همان، ب ۱: ۳۵۳)

➤ غفلت آدمی: در این دورفلکی، انسان نسبت به نظام خلقت، تعهد بیشتری دارد، زیرا «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا؛ آل عمران» (آیه ۱۹۱) حال بعضی از انسان‌ها، (ظلوماً جهولاً) نسبت به هدف آفرینش و مسؤولیت خود غافل‌اند. شهلا ۳۲ بار از غفلت انسان سخن گفته و آن را مذموم شمرده است.

بس دل از جور تو نالید و تغافل کردی مرد و شد عاقبت از ناله و افغان فارغ (همان، ب ۵، ۵۴)

➤ دروغ و بهتان: جانبو الكذب فانه مُجانبٌ للایمان (نهج البلاغه، ۱۳۸۶: ۱۰۲) از دروغ بر کنار باشید که با ایمان فاصله دارد. با آنکه پیشوایان دینی ما پیوسته به دوری از دروغ و تهمت اصرار ورزیده‌اند؛ باری این دو می‌می‌توانند، از آسیب‌های بزرگ فقدان اخلاق اجتماعی در جامعه باشند که شاعر سه بار آورده است:

بس که فرسوده‌ام، نمی‌دانم کین منم یا نه، کذب و بهتان باد (همان، ب ۴: ۲۰۲)

➤ منافق بودن: انسان‌های منافق، نتیجه‌ی مکر و ریا و فقدان صداقت و راستی هستند. شاعر چهار بار در اشعارش از این گونه افراد نام برده است:

تو در به غیبت و هر جا موافقی بیدار تو در به خلوت و هر سو منافقی در خواب (همان، ب ۲۸: ۱۸۴)

➤ غیبت: يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (حجرات: ۱۲) خداوند در قرآن، غیبت کردن را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه کرده؛ چرا که

۱۵۶..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
این آسیب اخلاقی می‌تواند باعث فتنه و آشوب بسیاری گردد. شهلا در دیوان خود  
هشت بار این واژه را به کار برده است.

تو در به غیبت و خیزد ز سینه‌ها فریاد تو در به خلوت و ریزد ز دیده‌ها خوناب (همان، ۳۴  
(۱۸۴):

➤ خبرچینی: شاعر در دو بیت، دیگران را از خبرچینی نهی کرده است:  
در بر دشمن نباید برد حرف دوست را شکوه او را به دل گفتم غلط کردم غلط (همان، ب ۴:  
(۴۴۵)

➤ خشم و عصبانیت: این مفهوم در قالب واژه‌های (خشم، قهر، غضب، سخط) به کار رفته  
است. بدیهی است، خشم و غضب می‌تواند، عواقب غیرقابل جبرانی ایجاد نماید، که  
شاعر به آن واقف و آنها را ۲۷ بار در دیوانش به کار برده است:  
یکسر شود از خصم طی عالم ز خشم و قهر وی تیغ تو دد پیش و ز پی پو یا به هر جانب اجل  
(همان، ب ۳۴: ۱۲۴)

➤ گناه کردن: گناه نقطه‌ی مقابل طهارت و پاکی است؛ که انسان‌ها به جهت دوری از  
معنویت و انسانیت مرتکب می‌شوند شاعر واژه‌هایی چون جرم، خطا، تدامن، لوث،  
دامن آلوده را ۲۵ بار به کار برده و مرتکب گناه را خطاکار و جاهل نامیده است:  
کس اگر به روی نیکو نگردد، گناه دارد که بود که از رخ خوب نظر نگاه دارد (همان، ب  
۲: ۳۲۶)

➤ توقع بیجا از دیگران: انتظار داشتن از دیگران که باعث ایجاد توقع و در نهایت شکوه و شکایت از  
دیگران می‌شود، ۲۴ بار و شکایت از دیگران ۳۱ بار در دیوان شهلا تکرار شده؛ که قطعاً از  
آسیب‌های اخلاقی اجتماعی محسوب شده و باعث ناراحتی دیگران می‌شود:  
به هر کجا که سری از جفا کند پامال بلی جز این چه توقع ز بی سروپایی (همان، ب ۳: ۲۳۴)  
هیچکس را دل به احوال من بیدل نسوخت در بر هر کس ز جور شکوه سر کردم  
عبس (همان، ب ۲: ۳۰۸)

➤ حسرت و پشیمانی: از پیامدهای بد اخلاقی؛ ندامت و دست به دندان خاریدن است، که ۱۴ بار در  
دیوان شهلا، تکرار شده است:

## آموزه های اجتماعی- اخلاقی و آسیب های مرتبط با..... ۱۵۷

تا فغان کردی به زیر تیغش از من در گذشت ای دل از قتل منش یعنی پشیمان کرده ای  
(همان، ۵: ۵۱۶)

➤ شهرت طلبی: از پیامدهای شهرت طلبی، ثروت اندوزی و کسب جاه و مقام دنیوی است، که گاه به ظلم و ستم و گناه می انجامد. این واژه ۱۵ بار و اغلب در برابر واژه گمنام و خمول به کار رفته است. شاعر، انسان ها را شیفته شهرت می داند، تا جایی که حتی بذل و بخشش و نیکی آنها را نیز به قصد کسب شهرت می داند:

می کشد از شرم خود، سردر گریبان خمول چون بر آرد ز آستین جود، دست اشتهار (همان،  
ب ۱۸: ۲۱۵)

➤ رسوایی: از پیامدهای مشکلات اخلاقی، رسوایی و بدنامی است که شاعر پنج بار به آن اشاره کرده است:

گفتمش از رفتن شهلا چرا آسوده ای؟ گفت این آلوده دامانم چنین بدنام داشت (همان، ب ۹:  
۲۸۵)

➤ اظهار نیاز کردن: صائب می فرماید:

دست نیاز چو پیش کسان می کنی دراز پُل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

شهلا نیز ۱۲ بار خواهش سؤال و اظهار حاجت نمودن به درگاه خلق را بیان کرده است:

جان اگر از من مسکین طلبی جا دارد زان که هرگز به کسی خواهش بیجا نکنی (همان، ب ۲:  
۵۲۰)

➤ بهانه جویی: چهار بار واژه خرده و بهانه به کار رفته و در تمام موارد، شاعر، مردم را از این کار برحذر داشته است و آن را نادرست می داند:

داد جامی که هان بگیر و بخور گفتم این خورده است، گفت خرده مگیر

➤ دل شکستن: خداوند در قرآن می فرماید: *إِنَّ اللَّهَ فِي قُلُوبِ الْمُنْكَسِرِ* (انفال: ۲۸) و این مسأله ۱۵ بار در دیوان شاعر آمده است:

مشکن ز رفتن خویش ای شوخ، محفلم را بنشین درست زین بیش تا نشکنی دلم را (همان،  
ب ۱: ۲۶۲)

➤ حسادت:

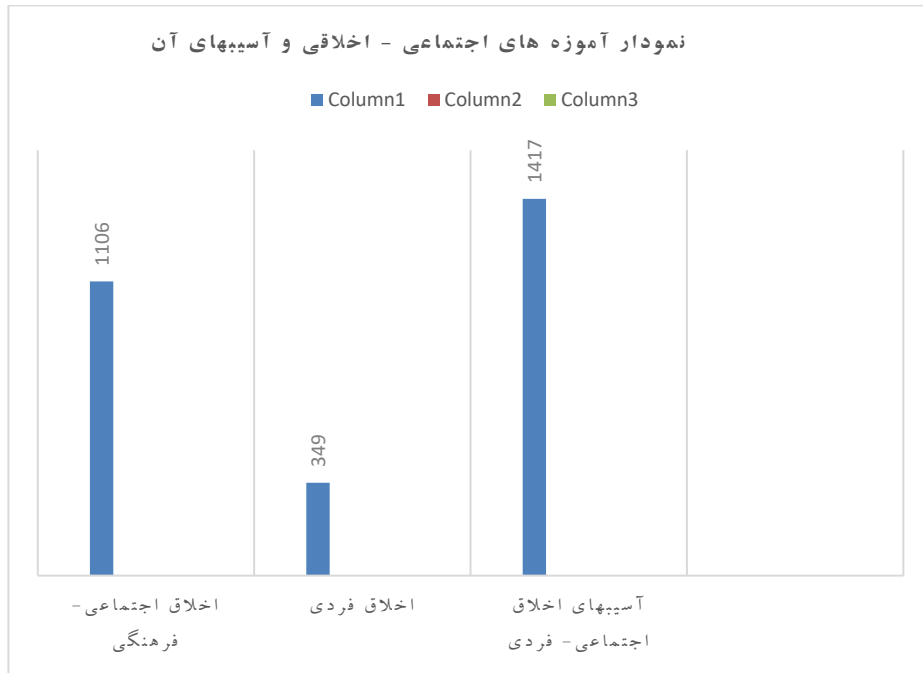
۱۵۸.....پژوهشهای جامعه شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
 از دیگر آسیب‌های اخلاقی که می‌تواند، به روح و روان انسان ضربه وارد کرده، آرامش انسان را  
 از بین ببرد، حسادت است که شش بار به آن اشاره شده است.  
 از غم اگر بمیرد، دم مزن از شعرای حسود بر هم مسای پای و به دندان مخار دست (همان ، ب  
 ۱ : ۲۰۱)

جدول شماره افراوانی داده ها بر حسب آموزه های اخلاق اجتماعی و فردی

آموزه ها	فراوانی	آموزه ها	فراوانی
بخشش	۵۴	امید داشتن	۲۳
قناعت	۲۶	شرم و حیا	۳۲
اجازه گرفتن	۱۱	سختی دنیا	۶۵۷
یقین	۱۳	رازداری	۴۰
طرب و شادی	۲۹۸	عفت و پاکی	۷
وفاداری	۳۷	اخلاق خوب	۱۳
سکوت	۲۴	عذرخواهی و تشکر	۱۳
ادب و احترام	۱۷	دعا کردن	۱۵
صبر و بردباری	۵۶	عهد و پیمان	۳۷
دوری از ظلم و ستم	۱۹	عدل	۲۱
افتخار به معنویات	۲۹	امر به معروف	۵

جدول شماره ۲ افراوانی داده ها بر حسب آسیبهای اخلاق اجتماعی و فردی

خساست	۸	حرص و آز	۲۴
غرور	۶	تهدید	۴
تقلید کورکورانه	۳	جنگ	۳۵۶
عشق مجازی و هوس آلود	۴۴۶	ترغیب به شراب و میخوارگی	۷۸
ناپاکی کلام	۱۹۷	غفلت	۳۲
دروغ و بهتان	۳	نفاق	۴
غیبت	۷	خبرچینی	۲
خشم و غضب	۲۷	گناه کردن	۲۵
توقع بیجا	۵۵	حسرت و پشیمانی	۱۴
شهرت طلبی	۱۵	رسوایی	۵
اظهار نیاز کردن	۱۲	بهبانه جویی	۴
دزدی	۲۴	اسیرکردن	۲۷
تحقیر دیگران	۲۷	مکر و حیله	۲۴
حسادت	۶		



در نمودار ستونی مذکور، مشاهده می شود، در دیوان شهلا یزدی، میزان آسیب های اجتماعی- فردی مطرح شده دارای بالاترین فراوانی و سپس آموزه های اخلاق اجتماعی- فرهنگی دومین جایگاه را در نمودار به خود اختصاص داده اند و آموزه های اخلاق فردی در جایگاه سوم قرار دارند و از کمترین فراوانی برخوردارند. با توجه به نمودار مذکور می توان اینگونه نتیجه گرفت، که شهلا یزدی در بیش از نود درصد اشعار در صدد آموزش آموزه های اخلاقی و بیان آسیب شناسی اخلاق جهت برحذر داشتن مردم از آن، بوده است. بدیهی است، چنین بسامد بالایی در دیوان اشعار یک شاعر، معرف غالب بودن اندیشه اجتماعی- فرهنگی و آسیبهای مربوطه در اشعار این شاعر می باشد.

### بحث و نتیجه گیری

میرزا سید محمد علی، متخلص به شهلا، قریب الاجتهاد، از شعرای دوره قاجار، دارای آثاری چون دیوان شعر و تذکره شبستان است. از آنجا که از ارکان استوار ماندگاری یک اثر، آموزه های

۱۶۰..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم / شماره سوم و چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۸

پندگونه و اخلاقی است و از سوی دیگر جنبه شاعرانه اشعار تعلیمی بین مردم ایران زمین قوی است، پژوهشگر در این تحقیق کوشیده است، تصویر روشنی از جنبه‌های اخلاقی و آسیب‌های مرتبط با آن در دیوان اشعار شهلا، ارائه دهد؛ پس از مطالعه ۳۴۸۱ بیت شعرو استخراج آموزه‌های اخلاقی موارد ذیل به دست آمد: اقرار به عظمت و یگانگی خدا ۲۲۸، مدح و ستایش ائمه ۶۴، بشر دوستی ۱۹۵، گرمی‌داشت عقل، علم و عمل ۷۷، یاد مرگ و عبرت گرفتن از آن ۷۴، اخلاق فردی و اجتماعی (بخشش، قناعت، امر به معروف و نهی از منکر، اجازه گرفتن، یقین، طرب و شادی، وفاداری، سکوت کردن، امید داشتن، عدل، نیکی کردن و دوری از ظلم و ستم، شرم و حیا، خاصان حق و سختی دنیا، رازداری، افتخار کردن به معنویات، عفت و پاکی، عذرخواهی و تشکر، اخلاق خوب، رعایت ادب و احترام، دعا: بر و شکیبایی و عهد و پیمان ۱۶۴۰) و از آسیب‌های اجتماعی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: (خساست، حرص و آز، غرور، تهدید، تقلید کورکورانه، جنگ، توصیف عشق مجازی، ترغیب به شراب و میخوارگی، ناپاکی کلام، غفلت آدمی دروغ و بهتان، منافق، غیبت، خبرچینی، خشم و عصبانیت، گناه کردن، انتظار داشتن، حسرت و پشیمانی، شهرت طلبی، رسوایی، اظهار نیاز کردن، بهانه جویی، دزدی، اسیر کردن، دل شکستن، تحقیر کردن دیگران، مکر و حيله و حسادت ۱۶۴۱ مورد.

در مجموع باید اذعان نمود، شاعر، بیش از ۹۰ درصد اشعار دیوانش را به آموزه‌های اخلاقی و آسیب‌های مربوط به آن اختصاص داده است، باید اذعان نمود، کمتر شاعری است، که در دوره‌ی نابسامان تاریخی و سیاسی عصر خود، بتواند، قسمت اعظم اشعار خود را به اخلاق اجتماعی و آسیب‌های آن اختصاص دهد؛ از این رو، شهلا را باید به حق، شاعر اخلاق مدار دوره قاجار معرفی نمود.

### منابع

- آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۷) غرر الحکم و درر الکلم، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
- آیتی، عبدالحسین، (۱۳۱۷). تاریخ یزد، تهران، نشر بیتا.
- شهلا یزدی، محمد علی، نسخه خطی.
- عریان، سعید، (۱۳۸۲). متن‌های پهلوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- عنصرالمعالی، کیکاوس ابن اسکندر. (۱۳۶۲) گزیده قابوس نامه، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، نشر امیرکبیر.
- فتوحی یزدی، عباس، (۱۳۸۱). تذکره شعرای یزد، یزد: نشر مولف.
- فرشید ورد، خسرو. (۱۳۷۸). درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۱ و ۲، تهران، نشر امیرکبیر.

## آموزه های اجتماعی - اخلاقی و آسیب های مرتبط با..... ۱۶۱

قلمسیاه، اکبر. (۱۳۷۹)، تذکره شبستان (سید محمدعلی مدرس (شهلا یزدی)، یزد: گیتا.  
نادری، عزت الله؛ سیف نراقی، مریم، (۱۳۷۴). روش تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران، نشر بدر.  
نهج البلاغه (۱۳۸۶)، ترجمه سید محمد دشتی، قم: انتشارات دارالفکر.  
وامق یزدی، محمد علی. (۱۳۸۱). تذکره میکرده، یزد: نشر ریحانه الرسول.  
یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات ایران، تهران، نشر آموزش و پرورش.  
یلمه ها، احمد رضا. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی اشعار فردوسی و حافظ»، فصلنامه پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، سال سوم، شماره یازدهم: ص ۱۷۵-۱۵۱.